

## فلسفه گریه و عزاداری بر سید الشهداء (ع) ۱

احمد صادقی اردستانی

وَعَلَى الدَّهْرِ، مِنْ دَمَاءِ الشَّهِيدِ  
فُهُمَا، فِي أَوَاخِرِ اللَّيْلِ، فَجْرًا  
ثَبْتًا، فِي قَمِيصِهِ، لِيَجِيءَ الحَشَّ  
نِ عَلِيٍّ وَ نُجْلِهِ، شَاهِدَانِ  
ن، وَ فِي أَوْلِيَائِهِ شَفَقَانِ  
ر، مُسْتَعْدِيًّا إِلَى الرَّحْمَانِ ۲

بر پیشانی زمان، از خون دو شهید: علی (ع) و فرزند او حسین (ع) دو گواه برقرار است.

فجر که در پایان شب ها، سینه سیاه مشرق را می شکافد، و شفق سرخ فام، که غروب ها افق خاور را، به خون می نشاند.

این دو نقش خونین، همیشه بر پیراهن زمان ثابت است، تا در صحرای محشر به پیشگاه خداوند رحمان حضور یابند، و دست تظلم برآورند.

سویدای دل می سوزد، و اشک بر چشم جاری می گردد، و در آینه قطره های سیمگون اشک، رمزها و رازهای فراوانی را می توان یافت.

راستی، چرا انسان گریه می کند؟ و منشاء این تأثر، که عموماً به صورت قطره های اشک بر گونه ها فرو می غلند کجاست؟

روان شناسان، هنوز نتوانسته اند در این باره، نظر دقیقی ابراز دارند فقط گفته اند: هنگامی که نمی توانیم، یا نمی خواهیم که احساسات خود را با کلمات بیان کنیم، فعل و انفعالاتی در درون ما صورت می گیرد، که خود به خود اشک ما جاری می شود. ۳

اما آنچه را تجربه هم نشان می دهد، این است که "ابراز تأثر" به وسیله گریه یا خنده، از نشانه های طبیعی و تعادل مزاج آدمی است، به طوری که اگر کسی خنده و گریه نداشته باشد، می توان "جنبه روانی" او را نامتعادل و غیرطبیعی توصیف نمود، چنان که اشخاصی که، هم خنده دارند و هم گریه - و بدین وسیله غم ها و افسردگی های خویش را تخلیه می کنند - از سلامت جسم و روح، و نیز از نشاط و تحرک بهتری، در صحنه کار و تلاش زندگی برخوردار می باشند.

آری، به وسیله "گریه" غم ها و غصه های درونی تسکین می یابد، عقده های روحی گشوده می گردد، و بدین جهت است که می نویسند: زن ها از مردها عقده کمتری دارند، زیرا آنان مشکلات روحی خویش را به وسیله "گریه" بیرون می ریزند و کمتر آن را در درون خویش پنهان و حبس می دارند، و این امر یکی از رموز سلامت

آنان می باشد. ۴. شاید از همین روست که دکتر "ویکتور بوگومولتز" می نویسد: جنس لطیف (زن) بیش از مرد، از نیروهای حیاتی (و طول عمر) بهره مند است. ۵.

به هر حال، تفسیر بیشتر نقش اشک و گریه، که جنبه علمی دارد، باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد، ما در این مقال به "جنبه پیام رسانی گریه"، اجر و پاداش معنوی آن، سیره پیشوایان دین، سفارش آنان به "گریه" در قالب سوگواری و فلسفه و آداب عزاداری، می پردازیم.

موج اشکم بی سخن، اظهار مطلب می کند جنبش ریگ روان، بانک درآ باشد مرا ۶

### انواع گریه ها

انواع گریه ها، پیام هایی را که "اشک ها" بیان می دارد، به طور کلی با بهره گیری از متون دینی و ادبی، در موارد زیر می توان مطرح نمود:

#### ۱- گریه عجز و زبونی

گریه افرادی از روی عجز و زبونی است، که در اثر ناآگاهی، ساده لوحی، بی پروایی و احیاناً ستم شخص یا جریان ناصالحی، به ورطه ذلت و مظلومیت افتاده، برای حفظ منافع و هستی خویش، احساس خطر می کنند، و راه چاره را در گریه می جویند.

"صائب تبریزی" چنین می سراید:

گریه شمع، از برای ماتم پروانه نیست صبح نزدیک است، و در فکر شب تار خود است

هم او گوید:

اظهار عجز، پیش ستمگر روا مدار اشک کباب باعث طغیان آتش است

#### ۲- تزویر و دروغ

برخی از اشک ها و گریه ها هم، از روی تزویر، ریا، تظاهر، و همسو نشان دادن خود با دیگران صورت می گیرد، که چون گریه کردن ها، از اصالت و حقیقت عاری است، و به آن اشک یا "گریه تمساح" گفته می شود.

"تمساح، حیوان خزننده دریایی، شبیه "سوسمار" است، سپرهای سختی به پشت دارد، که در مقابل گلوله مقاومت می کند، و طور آن گاهی به شش متر می رسد. ۷"

این حیوان، گاهی جفت خود را به پشت سوار می کند، و برای شکار به خشکی می رود، اما چون دست و پای آن کوتاه است، وقتی شکمش سیر و بزرگ شد، از بازگرداندن جفت ناتوان می ماند، بدین جهت آن را می کُشد، و

جسدش را به همان حال رها می کند. ۸. و احیاناً بر کشته خویش هم می گرید. و "اشک تمساح" از این جهت "ضرب المثل" شده است.

### ۳- گریه پشیمانی

لغزش و گناه، انحراف از مسیر وجدان و فطرت است، و کسی که با آلودگی به گناه، روان پاک خویش را آلوده است، گاهی با گریه، هم به تسکین آلام درون می پردازد، و غبار گناه را از جان می شوید، و این کار ستوده ای است.

امام علی (ع) فرموده است: "من بکی من ذنب، غُفر له." ۹

هر کس به خاطر گناهی که انجام داده، گریه کند، مشمول آمرزش قرار می گیرد.

امام صادق (ع) با استناد به اجداد خود روایت کرده، که حضرت عیسی بن مریم (ع) فرموده است: "طوبی لمن..."

بکی علی خطیئته" ۱۰.

خوشا به حال کسی که، برای گناهی که مرتکب شده، گریه کند.

ملای رومی، سروده است:

زآنکه آدم زان عتاب، از اشک رست  
اشک تر باشد، دم تو به پرست

بهر گریه، آدم آمد بر زمین  
تا بود نالان و گریان و حزین ۱۱

شیخ مصلح الدین، سعدی شیرازی می گوید:

طفل از پی مرغ رفته، چون گریه کند؟  
بر عمر گذشته، همچنان می گریم

### ۴- گریه شوق

گریه شوق یکی از جلوه های زیبای احساس و دلدادگی درون آدم است. مادری که پس از سال ها دوری، فرزند دلبند خویش را در آغوش می گیرد، عاشقی که بعد از فراق طولانی به وصال معشوق دست می یابد، و مؤمن پاکبخته ای که به امید دست یافتن به مقام معنوی لحظه شماری می کند یا نعمت و پاداش عظیمی را مشاهده می نماید، و بالاخره در خلسه عشق و ذکر فرو می رود، همه اشک شوق می ریزند و گریه سرور، سر می دهند.

از اشتیاق ذکر تو، در دیده ها شده است  
هر تار اشک، سبجه صد دانه دگر ۱۲

امام علی (ع) می فرماید: "من بکی شوقاً إلى الجنة، أسکنه الله فیها، و کتب له أماناً من الفزع الأكبر." ۱۳

هر کس برای اشتیاق بهشت گریه کند، خداوند متعال او را در آن جا اسکان می دهد، و سند امان و مصونیت او را از وحشت و اضطراب بزرگ قیامت مکتوب می دارد.

امام علی (ع)، اشک شوق مؤمنانی را که درباره حقایق آنان، آیه قرآن نازل شده، مرود تمجید و ستایش قرار می دهد. ۱۴

قرآن کریم داستان آن مؤمنان را چنین بیان می دارد: **وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَى الرَّسُولِ، تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ، مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ...** " ۱۵

و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده بشنوند، می بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته اند اشک از چشم هایشان سرازیر می شود.

در واقعه کربلا هم، وقتی انسان جلوه های شکوه آفرین ایمان، وفاداری، عشق و ایثار، فداکاری و جوانمردی، دلاوری، و پایمردی، و رشادت ها و شجاعت های حضرت سید الشهداء (ع) و جوانان و یاران ممتاز او را می شنود، در برابر آن به وجد و شادی می آید، اشک شوق نثار می کند، و بر آنان آفرین می گوید.

وقتی هم جعفر بن ابی طالب، از "حبشه" به "مدینه" آمد، رسول خدا (ص) به استقبال او رفت ... **"و بکی فرحاً برؤیته"** ۱۶

## ۵- رحم و رأفت

به رویم نگه کن، که بر درد عشقت به جز اشک خونین، گواهی ندارم ۱۷

آنچه را انسان در سینه دارد، قلب است، نه سنگ، و قلب هنگامی که در برابر حادثه دلخراشی همانند اشک یتیمی، یا بیمار دردمندی یا پیرمرد محروم تهیدستی و از این گونه صحنه های دردناک قرار می گیرد، متأثر می شود، و اشک را در چشم می دواند.

اگر قلبی از این گونه عواطف و احساسات محروم باشد، و با مشاهده آن ها متأثر و متألم نگردد، گرفتار قساوت است و باید در سلامت آن تردید نمود، و بری مداوای آن راهی گشود.

در سال هشتم هجرت، رسول خدا (ص) ابراهیم، فرزند خود را از دست داد و او را در قبرستان "بقیع مدینه" به خاک سپرد، برای آن کودک از دست رفته، آن قدر گریه کرد، که اشک بر محاسنش جاری گردید. به آن حضرت گفته شد: ای رسول خدا (ص) تو دیگران را از گریه منع می کردی، اکنون خود گریه می کنی؟!

آن حضرت فرمود: **"لیس هذا بکاء (غضب)، إنما هذا رحمه، و من لا یرحم لا یرحم"** ۱۸

این گریه خشم و نارضایتی نیست، بلکه گریه رحمت و رأفت است، و هر کس رحمت به کار نمی گیرد، مورد رحمت واقع نمی شود.

در بیان دیگری آمده: در حالی که آن کودک در دامن پیامبر (ص) بود و جان می داد، خطاب به او فرمود: "إِنَّا بَكَ  
لمحزونون، تبكى العين، و يدمع القلب، و لا نقول ما يسخط الرب" ۱۹.

فرزندم! ما برای تو غمناک هستیم، دل می سوزد و چشم گریه می کند، و ما هم چیزی را که موجب نارضایی  
خداوند گردد، به زبان نمی آوریم.

آیا درباره واقعه خونین کربلا، دل نمی سوزد؟ و قلب و عاطفه هر مسلمانی به جوش و خروش نمی افتد؟ آیا وقتی  
کسی می شنود از پیرمرد نود ساله تا کودک شیرخوار، با دلخراش ترین وضع، به دست دژخیمان خود کامه و  
مزدوران "بنی امیه" در یک نصف روز، در بیابان کربلا بی رحمانه به قتل می رسند و در خاک و خون دست و پا  
می زنند، منقلب نمی گردد؟ و بی اختیار اشک رأفت و رحمت او سرازیر نمی شود؟

#### ۶- غم و اندوه

گریه از روی غم و اندوه نیز، یکی از گریه های طبیعی و غریزی انسان است، که به هنگام از دست رفتن عزیزی،  
یا به خاطر از دست دادن موقعیت و مقامی، به خصوص مقام معنوی ارزشمندی، به افرادی که دارای روح لطیف و  
احساس پاک هستند، دست می دهد.

"یغمای جندقی" سروده است:

نوح، اگر موجه اشکم نگرد، در غم تو      آب چشمی شمرد، واقعه طوفان را

قرآن کریم، وقتی داستان مؤمنان مجاهدی را بازگو می کند، که رسول خدا (ص) به سبب عدم توانایی مالی از اعزام  
آنان به جبهه جنگ خودداری کرده بود، می فرماید: "تولوا و أعینهم تفیض من الدّم حزناً ألاً یجدوا ما ینفقون" ۲۰.  
آنان در حالی که از شدت اندوه، اشک از چشمانشان فرو می ریخت، بر می گشتند که [چرا] چیزی نمی یابند تا  
[در راه جهاد] خرج کنند.

#### ۷- گریه فراق

نوع دیگر اشک ریختن ها، گریه فراق است، که به خاطر دوری و جدایی از عزیزی، یا نبودن در کنار محبوبی و  
بهره مندی و یاری مقتدایی، یا دیدار معشوقی به انسان دست می دهد.

خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی، سروده است:

ز گریه مردم چشمم، نشسته در خون است      ببین که در طلبت، حال مردمان چون است

از آن دمی که ز چشمم برفت یار عزیز      کنار دامن من، همچو رود جیحون است ۲۱

چنین گریه ای درباره سوگواری و عزاداری برای حضرت حسین (ع) و شهیدان کربلا مصداق دارد، زیرا خطاب به آن حضرت می‌گوییم: "یا لیتنی كنت معك، فأفوز فوزاً عظيماً". ۲۲

ای کاش، ما هم در کنار تو بودیم (تو را یاری می‌دادیم و جهاد می‌کردیم و به شهادت می‌رسیدیم) و به آن سعادت بزرگ دست می‌یافتیم.

بنابراین، از هفت نوع گریه که در بالا بیان شد، چهار نوع آن، یعنی: گریه شوق، رحمت و رأفت، غم و اندوه، و گریه فراق با تفسیری که ارائه گردید برای حضرت سید الشهداء (ع) و سیار شهیدان عاشورا، سزاوار و به جاست. ما در عین حال که آن حضرت را پیروز مرد میدان کربلا می‌دانیم، بدین جهات برای او گریه می‌کنیم، و توضیح این جهات، در ادامه بحث بیشتر روشن می‌شود.

### گریه، و عذاب

روایاتی نسبت داده شده به پیامبر (ص) در دست است که در آن گریه برای درگذشتگان (اموات) غیرمجاز و عملی ناپسند و گناه آلود شمرده شده است.

همه روایاتی که در این باب آمده، به یک مضمون است، که یکی از آن‌ها بدین صورت است: "إِنَّ الْمَيِّتَ يُعَذَّبُ بِبِكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ". ۲۳

شخص میت، به خاطر گریه بازماندگانش برای او، مورد عذاب قرار می‌گیرد.

درباره این حدیث و نظایر آن، چند توضیح لازم است:

۱. سند، و راویان این گونه احادیث، مورد بحث و قابل تأمل می‌باشند، و راویان آن از شرط وثابت و صداقت برخوردار نبوده‌اند.

۲. شاید مقصود سازندگان چنین احادیثی آن بوده تا بدین وسیله نام و یاد درگذشتگانی را که شایسته تجلیل و تکریم و سوگواری‌اند، محو و نابود کنند.

۳. چنانکه در بالا اشاره کریم "قول" و "عمل" رسول خدا (ص) خلاف این سخن را نشان می‌دهد، چنان که وقتی هم رسول خدا (ص) به سبب گریه بر کودکی، مورد اعتراض "سعد بن معاذ" قرار گرفت، فرمود: "هذه رحمه، جعلها الله في قلوب عباده، و إنما يرحم الله من عباده الرحماء". ۲۴

این گریه رحمت و رأفت است، که خداوند آن را در دل‌های بندگان خویش قرار داده، و خداوند هم نسبت به بندگان خویش، که رحمت و عطف دارند، رحمت و رأفت به خرج می‌دهد.

۴. اگر گریه زندگان، برای مردگان "گناه باشد"، این زندگان هستند که باید کیفر گناه خویش را ببینند، نه مردگان، زیرا با این استدلال، باید این منطق باطل و "قیاس مع الفارق" را بپذیریم که:

گنه کرد در "بلخ" آهنگری به "شوشتر" زدند گردن مسگری!

رسول گرامی اسلام هم فرموده است: "إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ بَعْدَمَ الْعَيْنِ، وَلَا بِحِزْنِ الْقَلْبِ، وَلَا لَكِنْ يُعَذِّبُ بِهَذَا (وَأَشَارَ إِلَى لِسَانِهِ)." ۲۵

خداوند کسی را به خاطر اشک چشم، و اندوه قلب عذاب نمی کند، بلکه به خاطر گناه این (در حالی که به زبان خود اشاره می کرد) افراد را عذاب می کند.

یعنی زبان و آثار ویرانگر و فسادآفرین آن، موجب عذاب و مجازات خواهد بود.

۵. عذاب شدن مردگان، به خاطر گریه زندگان، با منطق قرآن کریم سازگار نیست، و حتی آن روز هم که برخی، چنین نغمه ای ساز می کردند، مورد اعتراض "عایشه" همسر پیامبر (ص) هم قرار گرفتند.

بر این اساس، ابن عباس روایت می کند: که عایشه گفته است: رسول خدا (ص) نفرمود، شخص مؤمن به خاطر گریه کسی بر او، مورد عذاب قرار می گیرد، بلکه خداوند عذاب کافر را به خاطر گریه بازماندگانش برای او،

افزون می گرداند، اما شما چرا به قرآن توجه نمی کنید که می فرماید: "وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ." ۲۶

هیچ کس (در روز قیامت) عهده دار بار گناه شخص دیگری نخواهد بود.

بنابراین، روایت: إِنَّ الْمَيِّتَ... از نظر سند و متن، قابل اعتبار و قبول نمی باشد.

### سابقه گریه و سوگواری

گریه و سوگواری به خاطر از دست دادن، یا دوری از عزیزی، سابقه ای دیرین به طول تاریخ بشر دارد. اما به بیان

امام صادق (ع) بگائون، یعنی زیاد گریه کنندگان تاریخ پنج نفر: حضرت آدم (ع)، حضرت یعقوب (ع)، حضرت

یوسف (ع)، حضرت فاطمه (س)، حضرت امام زین العابدین (ع) معرفی شده اند. ۲۷

ولی باید توجه داشت، این بزرگواران وضع فوق العاده و استثنایی داشته اند، و با مراجعه به تاریخ می توان گریه

کنندگان معروف دیگری را نیز به آنان افزود، که با توضیح وضع آن بزرگواران، و وضع گروه دیگری از گریه

کنندگان معروف تاریخ را، به طور خلاصه مرور می کنیم:

۱- حضرت آدم (ع) در مصیبت فرزند خود "هابیل" که به دست فرزند دیگرش "قابیل" کشته شد، آن قدر متأثر

شد، که مدت چهل شب گریه می کرد. ۲۸

همچنین آن بزرگوار، به بیان امام صادق (ع) به خاطر دوری از بهشت، آن قدر گریست که در اثر جریان اشک بر گونه هایش، صورت او مجروح گردید. ۲۹

۲- حضرت نوح (ع) که به قول شیخ صدوق، نام وی "عبد الغفار" یا "عبد الاعلی" بوده ۳۰ و در سن ۸۵۰ سالگی به رسالت مبعوث گردیده، و نهصد و پنجاه سال در میان قوم خویش می زیسته، به خاطر طغیان و سرکشی قوم خویش و خودداری آنان از پرستش پروردگار عالم، و اذیت و آزار فراوانی که قومش به او رساندند، بسیار گریه و ناله کرد که به بیان امام صادق (ع): به خاطر پانصد سال گریه و زاری، "نوح" یعنی نوحه گر نامیده شد. ۳۱

۳- حضرت ابراهیم (ع) وقتی همسر و فرزند خویش، هاجر و اسماعیل را، در سرزمین بی آب و علف مکه باقی گذاشت، و می خواست آنان را ترک گوید، گریه شدیدی سر داد. ۳۲

۴- به بیان امام صادق (ع) یعقوب پیغمبر (ع) در فراق فرزند خویش یوسف، آن قدر گریه کرد، که بینایی خود را از دست داد ۳۳ و چنان که قرآن کریم فرمود، نزدیک بود که خود را به هلاکت و نابودی بکشاند. ۳۴

۵- یوسف پیامبر (ع) فرزند یعقوب (ع) نیز وقتی در نوجوانی با توطئه همسر عزیز مصر، به سر دو راهی آلوده دامنی و به زندان افتادن قرار گرفت، زندان را پذیرفت ۳۵ وی در زندان به خاطر دوری از پدر، به قدری گریه کرد که به بیان امام صادق (ع) سایر زندانیان ناراحت شدند، و به او پیشنهاد کردند یا شب گریه کند یا روز تا آنان در یکی از این دو وقت آسایش داشته باشند، و یوسف این پیشنهاد را پذیرفت و به آن عمل کرد. ۳۶

۶- یحیای پیغمبر (ع) یکی از گریه کنندگان از خوف خدا و شوق تقرب به درگاه الهی است. امام صادق (ع) فرموده: یحیی بن زکریا (ع) آن قدر گریه کرد که در اثر جریان اشک چشم، گونه های او خراشیده شد و استخوان صورتش نمایان گردید... ۳۷ و مادر او پارچه ای روی زخم ها می گذاشت، که جریان اشک چشم کمتر او را اذیت کند. ۳۸

۷- طبق روایت امام صادق (ع) حضرت فاطمه زهرا (س)، از گریه کنندگان معروف تاریخ است ۳۹ آن بانوی بزرگ و مظلوم، برای ابراز خشم و ناخشنودی خویش، از وضعی که بعد از وفات رسول خدا (ص) امت اسلام دچار آن شد و به بیان امام صادق (ع) در فقدان پدر آن قدر شب و روز گریه کرد که، مردم مدینه ناراحت شدند، و گفتند: ما از گریه (و حال تو) اذیت می شویم. ناچار آن بانوی بزرگ اسلام، به مزار شهدا (در قبرستان بقیع) می رفت و گریه می کرد، و پس از پایان کار (و تسکین قلب) به شهر باز می گشت. ۴۰



۸- امام چهارم ما، حضرت زین العابدین (ع) هم، که یکی از گریه کنندگان تاریخ است، پس از واقعه جانسوز کربلا و مصایب سخت و دلخراشی که بر حضرت حسین (ع) و فرزندان و یاران با وفای آن حضرت وارد شد، گریه های طولانی و سوزناک سر می داد.

امام صادق (ع) فرموده: "فبکی علی بن الحسین عشرين سنه، ما وضع بين يديه طعام إلا بكى..."  
تا جایی که غلام آن حضرت گفت: ای فرزند پیامبر! جانم به فدایت، من می ترسم با این وضع جان خود را از دست بدهی! اما آن حضرت می فرمود: من از غم و غصه شدید خویش به خداوند شکایت می بردم، آخر من چیزی را می دانم که شما نمی دانید، من هرگاه وضع قتلگاه فرزندان فاطمه علیها السلام را به یاد می آورم، در غم و اندوه جانکاهی قرار می گیرم و اشک چشمم سرازیر می شود... "ان یعقوب فقد ابناً واحداً، و أنا رأيت أبي و جماعه اهل بيتي، يذبّحون حولي..." ۴۱

ماجرای گریه کنندگان تاریخ، اعم از پیامبران علیهم السلام و امامان علیهم السلام و موحدان و مؤمنان و صالحان، داستان مفصلی دارد، که در این مقال، مجال آوردن همه آن نیست. ۴۲

#### سفارش به گریستن

گریه کردن برای فراق افراد، یا در مرگ اشخاص، یک نوع رعایت شؤون اجتماعی و شخصیتی محسوب می شود، بدین جهت از پیامبر (ص) روایت شده: "میت لا بواکی علیه، لا إعزاز له" ۴۳  
میتی که گریه کنندگان ندارد، از عزت و احترامی هم برخوردار نیست.

ابن هشام، روایت می کند: عبدالمطلب وقتی در آستانه مرگ قرار گرفت، و به مرگ خویش یقین پیدا کرد، شش دختر خود: صفیه، برّه، عاتکه، ام حکیم بیضاء، أمیمه، و أروی، را دور خود فرا خواند، و به آنان گفت: برای من گریه کنید، تا قبل از مردن صدای شما را بشنوم، آنگاه دخترها به گریه و نوحه سرایی پرداختند و هر کدام هم اشعاری سرودند ۴۴.

باری، بر اساس رحمت و رأفت انسانی است که رسول خدا (ص) وقتی جسد بیجان و در خون غلتیده عموی خود "حمزه" را در جنگ "أحد" مشاهده می نماید، گریه می کند ۴۵ و آن گاه هم که به مدینه وارد می شود، و مشاهده می کند، در خانه های قبیله "بنی أشهل" و "بنی ظفر" برای شهیدان، صدای گریه و نوحه گری بلند است، پیامبر (ص) نیز گریه می کند، و از این که می بیند "حمزه" گریه کننده ندارد، ناراحت می شود و می فرماید: "لکن حمزه، لا بواکی له اليوم". ۴۶

و آن گاه که سعد بن معاذ، و اسید بن خضیر، مطلع می شوند موضوع را با حضرت فاطمه (س) و سایر زنان مدینه در میان می گذارند، سپس زنان در خانه حمزه اجتماع می کنند، به گریه و ناله می پردازند. ۴۷ و "عبد الله بن رواحه" هم در این باره قصیده پرسوزی می سراید. ۴۸ تا بدین وسیله هم شخصیت عظیم "حمزه" مورد تجلیل و تکریم واقع شود، و هم فرهنگ شهادت به عنوان یک فرهنگ زنده و ماندگار، مورد توجه قرار گیرد.

همچنین، به خاطر تعظیم و ترویج همین فرهنگ است که، وقتی رسول خدا (ص) خبر شهادت "جعفر بن ابی طالب" معروف به "جعفر طیار" را - که در جمادی الاول سال هشتم هجرت، در سن ۳۳ سالگی، در "غزوه مؤته" به هنگام جنگ با "رومیان" به شهادت رسید - ۴۹ شنید، به خانه "اسماء بنت عمیس" همسر داغ دیده جعفر می رود، به او تسلیت می گوید، آنگاه به خانه فاطمه (س) می رود، آن بانو را هم در حال گریه و عزاداری مشاهده می کند، پیامبر (ص) می فرماید: "علی مثل جعفر فلتبک البواکی". ۵۰

راستی برای شخصیتی مثل جعفر بن ابی طالب گریه کنندگان باید گریه کنند.

### لیاقت گریه

آن گونه که از متون اسلامی استفاده می شود، یک موضوع مهم روانی، تربیتی و اجتماعی این است که، انسان به گونه ای در میان مردم زندگی کند و به موقعیت مفید، به مقام کارساز، و به شخصیت محبوبی تبدیل شود، تا آن گاه که چشم از این جهان فرو می بندد، لایق تأسف و گریه افراد گردد.

گروهی از "قوم موسی (ع)" که راه عصیان و تباهی را پیش گرفتند، و در پرتو هدایت های آن پیامبر الهی، به ایمان و صلاح قدم نگذاشتند، و در زندگی مادی به رفاه و موقعیت بالایی دست یافتند، اما به خاطر عصیان و انحراف سخت خویش، باغ ها و چشمه ها، زراعت ها و قصرهای زیبای خود را به جای گذاشتند، و سرانجام در اثر نفرین حضرت موسی (ع) در دریا غرق و هلاک شدند، قرآن درباره آن ها می فرماید: "فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ، وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ" ۵۱

نه آسمان بر آن ها گریست و نه زمین، و نه (به هنگام نزول بلا) مهلت داده شدند.

به هر حال، این جمعیت چنان لیاقت و ارزش و پایگاه معنوی خویش را از دست دادند، که پس از مرگ آنان، نه آسمان و زمین، و به تفسیر دیگر: از اهل آسمان و زمین کسی، برای آن ها گریه ای نکرد، زیرا افراد برای کسی گریه می کنند که ارزش و لیاقتی داشته باشند، و این که کسی برای آنان گریه ای نکرده، نوعی حقارت و بی لیاقتی به شمار آمده، آنان بدین سبب مورد سرزنش قرار گرفته اند.

بنابراین، اگر به جنبه روانی و تربیتی لیاقتمند شدن برای گریه دیگران اشاره کردیم، منظور این است که انسان به گونه ای خود را بسازد، و در میان مردم به خاطر خیرخواهی و خدمتگزاری منشاء اثر باشد، که فقدان او نگران کننده و سبب گریه دیگران شود.

بدین جهت است که ، امام باقر (ع) روایت می کند، "لَمَّا احْتَضَرَ اميرالمؤمنين (ع) جمع بنیه حسناً و حُسیناً، و ابن الحنفیه، و الأصغر من ولده، فوصّاهم، و كان فی آخر وصیّته: یا بنی عاشروا النَّاسَ عشره، إن غبتم حنّوا إلیکم، و إن فقدتم بکوا علیکم... " ۵۲

... فرزندانم! با مردم به گونه ای رفتار کنید، که اگر از میان آنان غایب بودید، خواهان و مشتاق ملاقات شما باشند، و اگر از میانشان رخت برستید، برای شما گریه کنند.

### رقت قلب و اشک چشم

همانطور که در بالا اشاره کردیم، کسی که از صحنه دلخراشی منقلب نمی شود، تا اشک تأثیر بریزد، و نیز از حقیقت و جلوه زیبایی لذت نمی برد، تا اشک شوق جاری گرداند، از قلب سلیم و روح متعادلی برخوردار نیست، و برای رفع این نقصان باید به جست و جوی چاره بپردازد.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: خداوند متعال، افرادی را که به هنگام استماع قرآن تحت تأثیر قرار نمی گیرند، و از شنیدن آیات مربوط به قیامت تعجب (همراه با ناباوری) دارند، و خنده سر می دهند، مورد سرزنش قرار می دهد، و می فرماید: "تضحکون، و لا تبکون". ۵۳

یعنی، آیا می خندید؟ و گریه نمی کنید؟!

آن حضرت می فرماید: "بکاء العیون، و خشیه القلوب من رحمه الله تعالی " ۵۴

چنان که "جمود عین" و محروم بودن از اشک و گریه از خوف خدا، نشانه قساوت قلب و شقاوت معرفی شده است.

رسول خدا (ص) فرموده است: "من علامات الشقاء: جمود العین، قسوه القلب... " ۵۵

در مقابل، آن دسته از مؤمنانی، که بصیرتی روشن، قلبی رؤوف، و احساسی پاک و شفاف دارند، در زبان قرآن کریم، با بیانات: (یبکون و یزیدهم خشوعاً) ۵۶ و: (سجّداً و بُکیاً) ۵۷ مورد ستایش و تکریم قرار گرفته اند، و قهراً این گونه افراد، در برابر عظمت حجج الهی اشک شوق، و به خاطر مظلویت آنان هم، اشک غم و اندوه، و تأثر و تأسف از چشم خود جاری می کنند.

درباره سید الشهداء (ع)

درباره گریه و سوگواری بر حضرت سید الشهداء (ع)، فرزند فاطمه (س)، و سبط پیامبر (ص) به عنوان "حجّت الهی"، مسایل بسیاری مطرح است که مواردی از سوگواری ها و عزاداری های برای آن حضرت را، در سه مرحله: قبل از شهادت، بعد از شهادت و ... دیگران، در ذیل می آوریم:

### الف: قبل از شهادت

طبق روایات فراوانی، به هنگام ولادت حضرت حسین (ع)، جبرئیل (ع) به رسول خدا (ص) نازل شده، خیر شهادت آن امام (ع) را به رسول خدا (ص) و پدر و مادر نوزاد داده، و آنان از همان روزها، برای سید الشهداء (ع) گریسته اند، که چند نمونه آن را از نظر می گذرانیم:

#### ۱- گریه پیامبر (ص)

عایشه همسر پیغمبر (ص) روایت می کند: وقتی رسول خدا (ص) در بالاخانه ای بود که وحی به آن حضرت نازل می شود، به من سفارش کرد، کسی وارد آن جا نشود، در آن حین، حسین (ع) که کودکی بود وارد شد و نزد آن حضرت رفت، جبرئیل (ع) به پیغمبر (ص) گفته بود: زمانی نمی گذرد که این کودک را افرادی از امت تو در سرزمین "طف" از خاک عراق به قتل می رسانند، "فبکی رسول الله (ص)"

اما جبرئیل (ع) اضافه کرد: "لا تبک، فسوف ینتقم الله منهم، بقائمکم أهل البيت علیهم السلام" ۵۸. در بیان امام باقر (ع) آمده: "کان رسول الله (ص) إذا دخل الحسین (ع) جذبہ إلیه.... فیقبله و ینبکی... فیقول: یا بنی أقبل موضع السیوف منک... ۵۹"

#### ۲- گریه علی (ع)

ابن عباس می گوید: به هنگام رفتن به "صفین" من همراه علی (ع) بودم، وقتی از "نینوا" عبور می کردیم، آن حضرت گریه مفصلی کرد، به طوری که اشک از روی محاسن او جاری شد، ما هم همصدا با علی (ع) گریه سر دادیم، بعد ادامه داد: وای، وای، من با آل ابوسفیان چه کرده ام؟ سپس اضافه کرد: در این سرزمین هفده نفر از فرزندان من و فاطمه (س) به شهادت می رسند و به آغوش خاک می روند. ۶۰

#### ۳- گریه فاطمه (س)

طبق روایت امام صادق (ع)، یک روز فاطمه (س) به محضر رسول خدا (ص) وارد شد و آن حضرت را گریان یافت، علت گریه را جویا شد، رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل (ع) به من خبر داد که حسین (ع) را گروهی از امت من به قتل می رسانند!

فاطمه علیها السلام نیز، با شنیدن این خبر سخت ناراحت شد، و گریه و ناله سر داد، اما وقتی از مقام بلند فرزند خویش به خاطر شهادت آگاه گردید، آرامش و تسکین یافت. ۶۱

### ب: بعد از شهادت

داستان گریه و عزاداری پس از شهادت حضرت حسین (ع)، از سوی امامان علیهم السلام داستان دامنه داری است، که به خاطر فرصت محدود این مقال، خلاصه چند مورد از آن را به مطالعه می گذاریم:

#### ۱- امام زین العابدین (ع)

امام چهارم (ع) که خود در کربلا شاهد مصائب دردناک حسین (ع) و یاران فداکار او بود، و ۲۳ سال داشت، پس از آن واقعه سوزناک، تا زمانی که در قید حیات بود، یعنی مدت ۳۴ سال طبق برخی از روایات، برای پدر و عزیزان خویش، گریه و سوگواری می کرد.

ابن شهر آشوب، می نویسد: آن حضرت هر وقت ظرف آب بر می داشت بنوشد، گریه می کرد به طوری که از اشک خون آلود چشم او، آب ظرف خون آلود می گردید، وقتی هم افرادی وی را دلداری می داند، می فرمود:

"و کیف لا أبکی؟ و قد منع أبی من الماء الذی کان مطلقا للسباع و الوحوش؟" ۶۲

#### ۲- سوگواری امام باقر (ع)

علقمه بن محمد حضرمی، روایت می کند: امام باقر (ع) برای حسین بن علی (ع)، گریه و ناله سر می داد، به هر کس هم در خانه او بود (با رعایت تقیه)، دستور می داد گریه کند، در خانه آن حضرت مجلس عزا و سوگواری تشکیل می گردید، و آنان مصیبت حضرت حسین (ع) را به هم تسلیت می گفتند. ۶۳

#### ۳- سوگ امام صادق (ع)

عبد الله بن سنان، می گوید: روز عاشورایی به حضور امام صادق (ع) رسیدم، آن حضرت را با رنگ پریده و بسیار غمناک، در حالی که اشک چون مروارید از چشم او جاری بود یافتیم، علت آن وضع را سؤال کردم، فرمود: مگر نمی دانی در چنین روزی جد ما حسین (ع) شهید شده است...؟ ۶۴

وقتی هم "منصور دوانیقی" دستور داد، فرماندار او در مدینه، خانه امام صادق (ع) را به آتش بکشد، و خانه آتش گرفت، زن و فرزندان و اعضای خانه مضطرب شدند و شیون برداشتند، اما امام (ع) آتش را خاموش نمود، و افراد پریشان را تسکین داد، فردای آن روز یکی از شیعیان به دیدار آن حضرت رفت و او را گریان و اندوهناک دید...

امام صادق (ع) فرمود: وقتی دالان خانه آتش گرفت، زنان و دختران پریشان شدند و از این اطاق به آن اطاق می گریختند، در حالی که من در کنار آنان بودم، اما با دیدن این صحنه به یاد زنان و کودکان جدم حسین (ع) در روز عاشورا افتادم،

که مورد هجوم دشمن قرار گرفتند، و آنان فریاد می زدند: خانه ظالمان! را بسوزانید. ۶۵  
همچنین امام صادق (ع) به "ابوهارون مکفوف" دستور می دهد مرثیه بسراید، و آنگاه که وی مرثیه خود را می خواند، مشاهده می نماید امام (ع) سخت گریه می کند، متوجه می شود از صدای گریه امام صادق (ع) زنانی که پشت پرده حضور داشته اند، صدای خود را به گریه و شیون بلند کرده اند، بعد امام (ع) فرمود: "مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ (ع) شِعْرًا، فَبَكَى وَ أَبَكَى عَشْرًا، كُتِبَ لَهُ الْجَنَّةُ... " ۶۶

#### ۴- اشک موسی بن جعفر (ع)

امام رضا (ع) می فرماید: روش همیشگی پدرم امام موسی بن جعفر (ع) این بود که هرگاه ماه محرم می رسید، پیوسته اندوهناک بود و خنده ای در چهره نداشت، تا دهه عاشورا سپری شود. روز عاشورا هم، روز گریه و سوگواری و مصیبت او بود، و می فرمود: "هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ". ۶۷

#### ۵- سوگواری امام رضا (ع)

امام رضا (ع) فرموده است، محرم ماهی است که، در روزگار جاهلیت احترام داشت و مردم در آن از جنگ و خونریزی پرهیز داشتند، اما دشمنان در آن خون ما را ریختند، حرمت ما را شکستند، زنان و عزیزان ما را به اسارت گرفتند، آتش به خیمه ما زدند، اموال ما را غارت نمودند، و سفارش پیغمبر (ص) را در حق ما پاس نداشتند.

"إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ (ع) أَقْرَحُ جَفَوْنَا، وَ أَسِيلُ دَمَوْعَنَا... فعلى مثل الحسين (ع) فليبك الباكون، فإن البكاء عليه يحطُّ الذنوب العظام" ۶۸

امام رضا (ع) به "ریان بن شیب" می گوید: "ان كنت باکيا لشيء، فابك للحسين بن علي (ع) ، فإنه ذبح كما يذبح الكبش، و قُتِلَ مَعَهُ مِنَ الْهَيْبَةِ ثَمَانِيَةَ عَشْرَ رِجَالًا، مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَبِيهُونَ... " ۶۹

امام رضا (ع) دعبل بن علی خزاعی شاعر را در ایام سوگواری حضرت حسین (ع) به حضور می پذیرد، به او به عنوان یاری دهنده اهل بیت علیهم السلام، خوش آمد می گوید، و از وی می خواهد در روزهای غم و اندوه اهل بیت علیهم السلام یعنی عاشورا، در مورد مصایب جد خویش ابا عبد الله (ع) مرثیه بسراید، آنگاه "دعبل" می سراید:

## أفطم لو خلت الحسين مُجدلاً و قد مات عطشاناً بشطّ فرات

آنگاه امام رضا (ع) پرده ای نصب می کند، تا اعضای خانواده پشت آن قرار گیرند، دعبل هم به قصیده طولانی و سوزناک خود ادامه می دهد، صدای زنان پشت پرده بلند می شود، به طوری که امام (ع) در اثر گریه و سوگواری پرشور و حال آن مجلس، چند بار غش می کند... ۷۰

### ۶- گریه صاحب الامر (ع)

در بیانی که علامه مجلسی (ره) به عنوان زیارت عاشورای حضرت سید الشهداء (ع) آورده، و محدث قمی آن را با عنوان "زیارت ناحیه مقدسه" روایت کرده است، مطالب زیادی از سوگواری، می یابیم. علامه مجلسی (ره) زیارت را از کتاب "المزار الکبیر" شیخ محمد بن جعفر بن علی مشهدی حایری، آورده، و علامه حاج آقا بزرگ تهرانی، و محدث نوری، این کتاب را که در قرن ششم هجری نوشته شده، و ۱۵ راوی معتبر از آن مطلب روایت کرده اند معتبر دانسته اند. ۷۱

بر اساس روایت این کتاب ها، از زبان امام زمان (ع) خطاب به حضرت سید الشهداء (ع) می خوانیم: ای جد بزرگوار! روزگاران مرا به تأخیر انداخت، و نتوانستم به یاری تو بشتابم، و با دشمنانت جنگ کنم، اما: فلائدبنک صباحاً و مساءً، و لأبکین لک بدلّ الدّموع دماً، حسره علیک... " ۷۲

### ج: همه چیز و همه کس

اوج ایمان و اخلاص و عظمت حضرت حسین (ع) و یاران و عزیزان او از یک طرف، و عمق فاجعه دردناک کربلا از طرف دیگر، موجب گردیده که غیر از انبیا و اوصیا و مؤمنان و انسان های دیگر، موجودات دیگر عالم هستی هم هر کدام به نوعی برای حسین (ع)، سوز و گداز، جوش و خروش، و سوگ و ناله ای داشته باشند.

در این باره، داستان ها و روایات فراوانی وجود دارد، که نمونه هایی از آن را به طور خلاصه مورد دقت قرار می دهیم:

### ۱- گریه فرشتگان

فقیه و محدث بزرگ قرن چهارم هجری، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، تحت عنوان "بکاء الملائکه علی الحسین بن علی (ع)" بابی گشوده و در آن بیست روایت از راویان معتبر آورده، که در یکی از آن ها می خوانیم که امام صادق (ع) فرموده: "ما لکم لا تأتونه؟" یعنی قبر الحسین (ع) "فإنّ أربعه آلاف ملک یبکونه عند قبره إلى یوم القیامه" ۷۳.

در بارگاه قدس، که جای ملال نیست  
سرهای قدسیان، همه بر زانوی غم است  
جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می کنند  
گویا عزای اشرف اولاد آدم است ۷۴

## ۲- اشک خورشید

جعفر بن محمد بن قولویه، روایت می کند، که امام صادق (ع) خطاب به "زاره" درباره شهادت حضرت حسین (ع) فرمود: ... "و إنَّ الشمس بكت أربعين صباحاً بالكسوف و الحمره..." ۷۵

روزی که شد به نیزه، سر آن بزرگوار  
خورشید، سر برهنه بر آمد ز کوهسار  
موجی به جنبش آمد، و برخاست کوه کوه  
ابری، به بارش آمد و بگریست زار زار ۷۶

درباره نحوه گریه خورشید، در روایت می خوانیم: "مثل الدم ما تری الشمس" ۷۷

## ۳- گریه آسمان و زمین

در مورد گریه آسمان و زمین بر حضرت سید الشهداء (ع) تحت عنوان: "بكاء السماء و الارض علی قتل الحسين (ع) و یحیی بن زکریا (ع) بیست و پنج روایت وارد شده، که در یک مورد آن می خوانیم: امیر المؤمنین (ع) در مسجد مدینه نشسته بود، و یاران او گرد آن حضرت جمع بودند، در آن هنگام حسین (ع) وارد شد و نزدیک آمد، تا در برابر پدر قرار گرفت. علی (ع) دست خود را روی سر حسین (ع) گذاشت و فرمود: فرزندم! خداوند در قرآن سرگذشت قومی را موجب عبرت قرار داده، و فرموده: آسمان و زمین بر آنان نگریست، و آنان مهلت ماندن هم پیدا نکردند، "وایم الله لیقتلنک بعدی، ثم تبکیک السماء و الارض" ۷۸.

اما به خدا سوگند، بعد از من تو را می کشند، و آسمان و زمین بر تو گریه خواهند کرد.

درباره گریه آسمان و زمین، ناچاریم مواردی را متذکر شویم.

۱- در مواقع خاصی، که فجایع سخت، حوادث دردناک، و اعمال زشت و رقت بار، یا مظلومیت سخت و دلخراشی رخ می دهد، آسمان و زمین گریه می کنند.

۲- نمونه های این حوادث تلخ و دردناک عبارت است از:

الف: فاجعه دلخراش و مظلومانه حسین (ع) و عزیزان او، در صحرای کربلا.

ب: برای یحیی بن زکریا (ع) نیز، طبق روایات فراوان آسمان و زمین گریسته است، ۷۹ و میان شخصیت یحیی (ع) با حسین بن علی (ع) از لحاظ مدت حمل، مظلومانه شهید شدن... وجوه مشترکی وجود دارد، زیرا حضرت یحیی (ع) را نیز در طشت طلائی قرار دادند و سر بریدند، و خون او را به زمین ریختند... ۸۰



ج: امام موسی بن جعفر (ع) فرموده: "إذا مات المؤمن، بکت علیه الملائکه و بقاع الارض." ۸۱

د: امام صادق (ع) فرموده است: "ما من مؤمن يموت في غربه، تبکیه بقاع الارض." ۸۲

هـ: رسول خدا (ص) فرموده: وقتی قوم لوط پیامبر (ص) مرتکب عمل جنسی با جنس موافق شدند، "بکت الارض

إلی ربها، حتی بلغت دموعها إلی السماء، و بکت السماء حتی بلغت دموعها العرش..."

آن گاه خداوند به آسمان دستور داد: آنان را سنگباران کند، و زمین نیز آنان را به کام خویش فرو برد و نابود

گردانید. ۸۳

ملاحظه می کنیم، در همه موارد پنجگانه ای که زمین و آسمان گریه می کنند، پای یک فاجعه انسانی، یک سنت

شکنی، و بالاخره اقدام جسورانه بر خلاف فطرت انسانی و نظام آفرینش، در کار است.

۳- اما گریه آسمان و زمین، با چه کیفیت و به چه مدتی بوده است؟

اگر نخواهیم، آیه و روایاتی را که، صراحت در "گریستن آسمان و زمین دارد" توجیه کنیم، و منظور آن را "اهل

آسمان و زمین" یا "مبالغه ادبی" بدانیم، چنانکه برخی چنین کرده اند، بیاناتی که از سوی امامان معصوم وارد شده،

نحوه گریه آسمان و زمین و مدت آن را توضیح داده است، که نمونه هایی را از نظر می گذرانیم:

الف - امام صادق (ع) در پاسخ به مدت و نحوه گریه آسمان، بر حضرت یحیی بن زکریا (ع) و امام حسین بن علی

علیهما السلام می فرماید: "أربعین صباحاً... و کانت تطلع حمراء و تغیب حمراء." ۸۴

آسمان برای یحیی (ع) و حسین (ع) مدت چهل روز گریه می کرد، بدین صورت که، به هنگام طلوع و غروب،

سرخی مخصوصی در آسمان نمایان می شد.

ب - در حدیث دیگری می خوانیم: "لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع)، أَمَطَرَتِ السَّمَاءُ تَرَاباً أَحْمَراً" ۸۵ وقتی حسین

بن علی (ع) شهید شد، آسمان خاک سرخ بارید.

ج - در روایت دیگر آمده: "لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (ع) أَمَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا" ۸۶

د - درباره گریه زمین هم، در روایت آمده: "لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (ع)، لَمْ يَبِقْ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حِصَاةٌ، إِلَّا وَجَدَ تَحْتِهَا

دَمَ غَبِيطٍ" ۸۷

۴- طبق بیان امام صادق (ع): آسمان قبل از قتل یحیی بن زکریا (ع) و بعد از شهادت حضرت حسین (ع) بر کس

دیگری گریه نکرده بود، ۸۸ اما در روایت دیگر می خوانیم که، آسمان و زمین و فرشتگان، در موارد دیگر، و برای

اشخاص دیگری هم گریه می کنند. که در این جا برای "جمع میان دو دسته روایات" می توان دسته اول را، جنبه

عمومی آن دانست، و دسته دوم را جنبه خصوصی و موضعی آن، چنانکه "سیوطی" از "ابن ابی حاکم" روایت می

کند: آسمان به طور کلی و عمومی جز برای دو نفر (یحیی و حسین (ع)) نگریسته است، و آنجایی که روایت می گوید: آسمان و زمین بر مؤمن گریه کردند، منظور جنبه موضعی و خصوصی، و نقطه ای که عمل در آن جا صورت گرفته، می باشد. ۸۹

#### ۲- گریه همه چیز

جعفر بن محمد بن قولویه قمی تحت عنوان: "بکاء جمیع ما خلق الله علی حسین بن علی (ع)" هفت روایت آورده، که در یکی از آن ها از امام باقر (ع) می خوانیم:

"بکت الإنس و الجنّ و الطّیر و الوحش، علی الحسین بن علی (ع) حتّی زرّفت دموعها." ۹۰

در روایت دیگری هم، امام علی (ع) فرموده، "بأبی و امی الحسین المقتول بظهر الکوفه، و الله کأنّی أنظر إلی الوحوش مادّه أعناقها علی قبره، من أنواع الوحوش یبکونه و یرثونه لیلاً حتّی الصباح، فاذا کان ذلک، فإیّاکم و الجفاء." ۹۱

شاعر پرشور شیعی فتح الله قدسی، مشهور به "فؤاد کرمانی" با استفاده از چنین روایاتی چنین سروده است:

تا ندا کرد ولای تو، در اقلیم آلت  
بهر لبیک فدایت، دو جهان بر زنده است

کشته شد عالم دهری، چو تو در عالم دهر  
دهر تا روز قیامت، شب اندوه عزاست

در غمت اعین و اشیاء، همه از منطق کون  
هر یکی مویه کنان، بر دگری نوحه گر است

رفت بر عرشه نی، تا سرت ای عرش خدا  
کرسی و لوح و قلم، بهر عزای تو به پاست

منکسف گشت، چو خورشید حقیقت به جمال  
گر بگریند ز غم، دیده ذرات رواست ۹۲

کمال الدین، سید علی بن خواجه میر احمد، معروف به "محتشم کاشانی" هم، برای این که موضوع "محل" و "مکان نبودن" خداوند را، برای سوگواری حضرت سید الشهداء (ع) حل کرده باشد، این گونه سروده است:

هست از ملال، گرچه بری ذات ذو الجلال  
او در دل است، و هیچ دلی نیست بی ملال

#### مراحل عزاداری

در مورد اصل عزاداری و سوگواری و سفارش امامان علیهم السلام بر این مهم، طی این مقال مطالبی را یادآوری کردیم، امام رضا (ع) هم فرموده: "فعلی مثل الحسین (ع) فلیبک الباکون." ۹۳

موضوع مهمتر این است که "عبد الله بن فضیل هاشمی" از امام صادق (ع) سؤال می کند: چه شد، که روز عاشورا این گونه روز مصیبت و غم و اندوه و عزاداری قرار گرفت؟ اما روز وفات پیغمبر (ص)، روز وفات و شهادت علی (ع) و فاطمه (س)، و امام حسن (ع) که با زهر مسموم شد، چنین وضعی را پیدا نکرد؟ امام صادق (ع) فرمود: "إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ (ع) أَكْظَمُ مَصِيبَةٍ مِنْ جَمِيعِ الْأَيَّامِ... فَكَانَ ذَهَابَهُ، كَذَهَابِ جَمِيعِهِمْ..." ۹۴ اما این سوگواری و عزاداری بزرگ، چگونه باید انجام شود؟ خوشبختانه مراحل و شیوه های آن را پیشوایان معصوم بیان داشته اند، که به طور خلاصه مورد ملاحظه قرار می دهیم:

### ۱- تشکیل مجالس

امام صادق (ع) به "فضیل" که از شیعیان بود فرمود: آیا مجلس تشکیل می دهید و بحث و گفت و گو دارید؟ وقتی "فضیل" جواب مثبت داد، امام (ع) فرمود: "إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أُحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا، يَا فَضِيلُ! مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذَكَرْنَا عَنْدَهُ، فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلَ جَنَاحِ الذَّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ..." ۹۵

### ۲- سیاهپوشی

پوشیدن لباس سیاه و ساهپوش نمودن مجالس برای عزاداری، نشانه حزن و سوگواری رایج در میان شیعیان است. بر اساس روایات تاریخی، امام علی (ع) گاهی لباس سیاه می پوشیده، امام حسن (ع) لباس سیاه داشته، لباس امام حسین (ع) هم به هنگام شهادت سیاه بوده، و از لحاظ فقهی هم، پس از بیان روایاتی که پوشیدن لباس سیاه را مکروه می شمارد، می گویند: بعید نیست، که پوشیدن لباس سیاه در عزاداری های امام حسین (ع) استثنا شده باشد، زیرا این کار نشانه حزن و اندوه و نمودار شعائر و حماسه هاست. ۹۶

### ۳- مرثیه سرایی

داستان اشعار و مرثیه سرایی "ابو هارون مکفوف" برای امام صادق (ع) و مرثیه سرایی "دعبل خزاعی" را برای امام رضا (ع)، مرور کردیم، که آنان مورد تأیید و تشویق آن بزرگواران قرار گرفتند. امام صادق (ع) نیز فرموده است: "مَنْ أُنْشِدَ فِي الْحُسَيْنِ (ع) بَيْتَ شَعْرٍ، فَبِكِي وَأَبْكِي عَشْرَةَ، فَلَهُ وَ لِهَمْ الْجَنَّةُ..." ۹۷ در باب سرودن اشعار، این نکته مهم باید مورد توجه باشد، که در اشعار روح ایمان و فضیلت و حماسه و بالاخره عزت و عظمت حسین (ع) و اهل بیت علیهم السلام تبیین گردد.

### ۴- نوحه سرایی

درباره ندبه و نوحه سرایی برای میت، که طبق روایاتی از میراث زمان جاهلیت شمرده شده. ۹۸ این جهت باید مورد توجه باشد که در آن زمان "نوحه سرایی" به صورت یک حرفه درآمدی بود، افرادی شغل خود را این عمل

قرار داده، یاوه می یافتند، حق را ناحق و ناحق را حق جلوه می دادند، و در برابر آن اجرت و حقوق دریافت می داشتند. بدین جهت فقیه بزرگ شیخ مرتضی انصاری، می نویسد: نوحه سرایی اگر با باطل مثل دروغ همراه نباشد، خود حرام نیست. ۹۹

اما نوحه سرایی برای امامان علیهم السلام به خصوص برای حضرت سید الشهداء (ع) را به استناد روایاتی، مستحب و مطلوب دانسته اند. و از جمله روایاتی که مرود استناد آنان قرار گرفته، عبارت است از:

۱. مهران بن محمد، می گوید: "سمعت أبا عبد الله (ع) ، أوصى أن يباح عليه سبعة مواسم، فأوقف لكل موسم مالاً ينفق فيه." ۱۰۰

۲. یونس بن یعقوب، می گوید: امام صادق (ع) فرمود: "قال لي أبي: يا جعفر! أوقف لي من مالي كذا وكذا، لنوادب تندبني عشر سنين بمني، أيام منى." ۱۰۱

پدرم امام باقی (ع) به من وصیت کرد، قسمتی از مال او را وقف کنم، و در اختیار نوحه گران قرار دهم، تا آنان مدت ده سال، در روزهای "منا" برای آن حضرت در آن جا نوحه و ندبه برقرار کنند.

#### ۵- تباهی و اظهار تأثر

نداشتن گریه و خشک بودن چشم، نشانه عدم رقت قلب، و طبق روایات علامت "شقاوت" است، بدین لحاظ اگر افراد در مراسم سوگواری سید الشهداء (ع) گریه نمی کنند، باید به مصائب آن بزرگوار و اهل بیت علیهم السلام او توجه کنند، و همراه با گریه کنندگان، تباهی و اظهار حزن و تأثر و اصرار به گریه کردن نمایند.

امام صادق (ع) فرموده: "إذا لم يجئك البكاء فتباك، فإن خرج منك مثل رأس الذباب، فيخّ بخ" ۱۰۲  
اگر گریه ات نمی آید، خود را به گریه وادار کن، زیرا اگر به اندازه سر مگسی اشک از چشم تو بیرون آید، مبارک است و جای خوشحالی دارد.

همانطور که اشاره کردیم "تباهی" خود را به گریه زدن است، که گاهی با ناله سر دادن، به پیشانی زدن، و خود را به حزن و اندوه واداشتن همراه است، و دارای اجر و پاداش نیز می باشد.

امام صادق (ع) نیز فرموده: "من أنشد في الحسين (ع) شعراً، فتبأكي فله الجنة." ۱۰۳

#### ۶- حرکت دسته ها

حرکت دسته های سوگواری، در معابر و خیابان ها را نیز می توان مجموعه ای نمایشی از مرثیه ها و نوحه ها و گریه کردن ها و گریاندن ها دانست، و به عنوان "شعائر اسلامی" در جهت معرف اهل بیت علیهم السلام و آرمان های مقدس آنان، سودمند شمرد.

چنان که، تعزیه ها و شبیه خوانی ها هم، به دلیل دارا بودن جنبه تجسمی و نمایشی آن، از لحاظ تأثیر گذاری و تربیتی و حماسه آفرینی، عزاداری مطلوب و مؤثری است، و می تواند مخاطبان بیشتر، و تأثیر بهتری داشته باشد. امام خمینی (ره)، به استفتایی که از ایشان در مورد "شبیه خوانی" شد چنین پاسخ دادند: "شبیه خوانی اگر مشتمل بر محرمات و موجب وهن مذهب نباشد، مانع ندارد، اگرچه روضه خوانی بهتر است و عزاداری برای سید مظلومان (ع) از افضل قُرَبات است." ۱۰۴

به هر حال، اگر چه حرکت دسته ها و شبیه خوانی ها، با رعایت شؤون اسلامی، از نظر گسترش "شعائر" و تأثیر گذاری روی مخاطبین، دارای بالاترین ارج و ارزش است و "مسیومارین" مورخ دانشمند آلمانی هم می نویسد: "هیچ چیز مانند عزاداری حسین (ع) نتوانست حسّ سیاسی در مسلمانان، ایجاد کند" ۱۰۵ اما خالصانه ترین نوع عزاداری "گریه بر مصائب حسین (ع) است.

وی از طفیل خون تو، اسلام سرخ رو	ای اشک ماتمت به رخ ملت آبرو
وین یافته ز فیض تو، دین نبیّ علوّ	دین را تو زنده کردی و خود، کشته گشته ای
آوردی آب رفته اسلام را، به جو ۱۰۶	گر آب را به روی تو، بستند کوفیان

### آداب عزاداری

در پایان این مقال، به منظرو بارورتر شدن، عزاداری ها در همه مراحل، به خصوص هنگام حرکت دسته های محترم سوگوری، و برای حفظ حرمت عزاداران حضرت سید الشهداء (ع)، می بایست چند نکته مورد توجه قرار گیرد:

۱. به هنگام حرکت دسته ها، از هر گونه خلاف شرع و قانون همانند، سدّ معبر غیر ضروری، و سر و صدای بی موقع شب، که موجب آزار بیماران و سلب آسایش دیگران می شود، پرهیز جدی به عمل آید، زیرا در زیارت حضرت حسین (ع) می خوانیم: من شهادت می دهم که تو امر به معروف و نهی از منکر نمودی. ۱۰۷
  ۲. در ایام عزاداری، فراموش نکنیم که، ما عزادار امامی هستیم که همه موجودات عالم هستی برای او سوگواری و آل رسول (ص) غمناک و محزون می باشند، و امام علی (ع) و امام صادق (ع)، یکی از نشانه های شیعه را این جهت دانسته اند که: "یَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا..." ۱۰۸
- بنابراین، حالت حزن و عزدار بودن را، به خوبی رعایت نماییم.

۳. امام باقر (ع) فرمود: "بأبی قتیل کلّ عبره"، و در تفسیر آن بیان داشته: هر مؤمنی به یا حسین (ع) افتد، اشک او جاری می گردد. ۱۰۹. از سوی دیگر در روایت امام صادق (ع) خواندیم: مجلس گرفتن شما را من دوست می دارم، در مجالس خود "امر ما را" زنده بدارید. ۱۱۰

بنابراین، مجلس گرفتن ها و سخنرانی ها و مرثیه سرایی ها و عزاداری ها، باید، بر محور "امر اهل بیت علیهم السیلام" حقانیت آنان و بیان معارف و آرمان های متعالی آنان صورت گیرد، زیرا:

همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافی است      اگرچه گریه، بر آلام قلب تسکین است  
بین که مقصد عالی وی، چه بود ای دوست      که درک آن، سبب عزّ و جاه و تمکین است  
ز خاک مردم آزاده، بوی خون آید      نشان شیعه و آثار پیروی، این است ۱۱۱

۴. تماشای عزاداران، عزاداری محسوب نمی شود. بنابراین، افرادی که در پیاده روها و حاشیه خیابان ها توقف می کنند، می بایست به جمع دسته های عزاداری پیوندند، تا جزء عزاداران محسوب گردند.

۵. برای مهار حرکات نامناسب احتمالی و ناپخته، افراد ریش سفید و بزرگترها، در میان جوانان شرکت کنند، تا هم آداب صحیح عزاداری را به آنان بیاموزند، و هم مشوقّ آنان به عزاداری مطلوب واقع گردند، زیرا:

از حسین، اکتفا به نام حسین      نبود در خور مقام حسین  
بلکه باید، که خلق دریابند      علت اصلی قیام حسین  
شد مکرّر عزای او، که شود      هر کسی واقف، از مرام حسین ۱۱۲

---

۱. مجموعه این نوشتار، در مراحل مختلف می تواند مورد استفاده مبلغان و گویندگان محترم، قرار گیرد.

۲. ابو العلاء معری (۳۶۳ - ۴۴۹ هـ) فیلسوف و شاعر بزرگ عرب، سقط الزند، ص ۹۶.

۳. آرکدی لثوکوم، به من بگو چرا؟ ج ۳، ص ۶۹.

۴. الشعائر الحسنيه، ص ۴۱.

۵. صدو پنجاه سال جوان بمانید، ص ۱۳۴.

۶. ملاقاسم مشهدی.

۷. لغت نامه دهخدا، ج ۱۶، ص ۹۴۸.

۸. حیوه الحیوان، ج ۱، ص ۱۶۳.

- ۹ . ارشاد القلوب، ص ۱۲۹.
- ۱۰ . بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۰.
- ۱۱ . مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۴۴.
- ۱۲ . صائب تبریزی
- ۱۳ . ارشاد القلوب، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.
- ۱۴ . ارشاد القلوب، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.
- ۱۵ . سوره مائده، آیه ۸۳.
- ۱۶ . بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۴.
- ۱۷ . فرید الدین عطار نیشابوری.
- ۱۸ . بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۱، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۱.
- ۱۹ . صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۴۸، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۹۰.
- ۲۰ . سوره توبه، آیه ۹۲.
- ۲۱ . دیوان حافظ، ص ۹۲، چاپ حافظ نوین.
- ۲۲ . مأساة الحسين عليه السلام، ص ۱۲۱، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۳.
- ۲۳ . صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲۸ و سفینه البحار، ج ۱، ص ۹۶.
- ۲۴ . صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲۶.
- ۲۵ . صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲۶.
- ۲۶ . صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳۲، سوره فاطر، آیه ۱۸.
- ۲۷ . ارشاد القلوب، ص ۱۲۶، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۶۴ و ۳۱۱.
- ۲۸ . بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۴۴ و ۱۷۶، معانی الاخبار، ص ۷۸.
- ۲۹ . بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۴۴ و ۱۷۶، معانی الاخبار، ص ۷۸.
- ۳۰ . بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۷.
- ۳۱ . بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۷.
- ۳۲ . بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۴.
- ۳۳ . سوره یوسف، آیه ۸۴ و ۸۵.

- ٣٤ . سورة يوسف، آيه ٣٣.
- ٣٥ . بحار الانوار، ج ٤٦، ص ١٠٩.
- ٣٦ . مكارم الاخلاق، ص ٣١٧، بحار الانوار، ج ٩٠، ص ٣٣٦.
- ٣٧ . ارشاد القلوب، ص ١٢٨.
- ٣٨ . بحر الانوار، ج ١٢، ص ٢٦٤.
- ٣٩ . بحار الانوار، ج ١٢، ص ٢٦٤.
- ٤٠ . بحار الانوار، ج ١٢، ص ٢٦٤.
- ٤١ . مكارم الاخلاق، ص ٣١٦، بحار الانوار، ج ١٢، ص ٢٦٤ و بحار الانوار، ج ٤٦، ص ١١٠.
- ٤٢ . سفينه البحار، بكى.
- ٤٣ . الماساة الحسين عليه السلام، ص ١١٨.
- ٤٤ . السيره النبويه، ج ١، ص ١٧٨ - ١٧٩.
- ٤٥ . الاستيعاب، ج ١، ص ٢٧٥.
- ٤٦ . الاستيعاب، ج ١، ص ٢٧٥.
- ٤٧ . بحار الانوار، ج ٢٠، ص ٩٩.
- ٤٨ . الاستيعاب، ج ١، ص ٢٧٥.
- ٤٩ . تاريخ پیامبر اسلام (ص)، ص ٥٣٢.
- ٥٠ . بحار الانوار، ج ٢٢، ص ٢٧٦، اسد الغابه، ج ٢، ص ٢٨٩، الاستيعاب، ج ١، ص ٢١١.
- ٥١ . سورة دخان، آيه ٢٩.
- ٥٢ . بحار الانوار، ج ٤٢، ص ٢٤٧، و ج ٧١، ص ١٦٧، نهج البلاغه فيض، حكمت ٩، ص ١٠٩٢.
- ٥٣ . ارشاد القلوب، ص ١٢٨، سورة نجم، آيه ٦٠.
- ٥٤ . بحار الانوار، ج ٩٠، ص ٣٣٦ و ٣٣٠.
- ٥٥ . بحار الانوار، ج ٩٠، ص ٣٣٦ و ٣٣٠.
- ٥٦ . سورة اسرى، آيه ١٠٩.
- ٥٧ . سورة مريم، آيه ٥٨.
- ٥٨ . بحار الانوار، ج ٣٦، ص ٣٤٩.



- ٥٩ . كامل الزيارات، ص ٦٣، بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٥١.
- ٦٠ . بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٥٣.
- ٦١ . كامل الزيارات، ص ٥٧.
- ٦٢ . مناقب، ج ٣، ص ٣٠٣، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ١٠٩.
- ٦٣ . وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٣٩٨.
- ٦٤ . سفينه البحار، ج ٢، ص ١٩٦، عشر، بحار الانوار، ج ٩٨، ص ٣٠٩.
- ٦٥ . مأساه الحسين عليه السلام، ص ١١٨.
- ٦٦ . كامل الزيارات، ص ١٠٤.
- ٦٧ . وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٣٩٤.
- ٦٨ . بحار الانوار، ج ٤٤، ص ٢٨٤.
- ٦٩ . وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٣٩٣.
- ٧٠ . بحار الانوار، ج ٤٥، ص ٢٥٧، مأساه الحسين عليه السلام، ص ١١٧، سفينه البحار، دعبل.
- ٧١ . الدرعيه الى تصانيف الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٢٤، مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٣٦٨.
- ٧٢ . بحار الانوار، ج ٩٨، ص ٣٢٠، المزار الكبير، ص ١٦٥ - ١١٧.
- ٧٣ . كامل الزيارات، ص ٨٣.
- ٧٤ . كمال الدين سيد على بن خواجه مير احمد (٩٩٦ هـ)، عروف به محتشم كاشاني.
- ٧٥ . كامل الزيارات، ص ٨١.
- ٧٦ . محتشم كاشاني.
- ٧٧ . كامل الزيارات، ص ٨٩.
- ٧٨ . كامل الزيارات، ص ٨٩.
- ٧٩ . كامل الزيارات، ص ٩٠.
- ٨٠ . بحار الانوار، ج ١٤، ص ١٨١.
- ٨١ . اصول كافي، ج ١، ص ٣٨، تفسير نور الثقلين، ج ٤، ص ٦٢٩.
- ٨٢ . سفينه البحار، ج ١، ص ٢٤٧، بكى، الدر المنتور، ج ٦، ص ٣٠.
- ٨٣ . ثواب الاعمال، ص ٣١٤، بحار الانوار، ج ١٢، ص ١٦٢.

- ٨٤ . كامل الزيارات، ص ٩١، مجمع البيان، ج ٩، ص ٦٥، تفسير نور الثقلين، ج ٤، ص ٦٢٨، بحار الانوار، ج ١٤، ص ١٧٥.
- ٨٥ . كامل الزيارات، ص ٩٠.
- ٨٦ . كامل الزيارات، ص ٩٣، الدر المنثور، ج ٦، ص ٣١.
- ٨٧ . كامل الزيارات، ص ٩٣، الدر المنثور، ج ٦، ص ٣١.
- ٨٨ . بحار الانوار، ج ١٤، ص ١٨٣.
- ٨٩ . الميزان في تفسير القرآن، ج ١٨، ص ١٤٢، الدر المنثور، ج ٦، ص ٣١.
- ٩٠ . كامل الزيارات، ص ٧٩ و ٨٠.
- ٩١ . كامل الزيارات، ص ٧٩ و ٨٠.
- ٩٢ . شمع جمع، ص ١٨٩.
- ٩٣ . وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٩٤.
- ٩٤ . وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٩٤.
- ٩٥ . قرب الاسناد، ص ١٨، وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٩٢.
- ٩٦ . الشعائر الحسينيه، ص ٦٦ - ٧٠.
- ٩٧ . كامل الزيارات، ص ١٠٥.
- ٩٨ . صحيح مسلم، ج ٢، ص ٣٣٥.
- ٩٩ . المكاسب، شيخ انصارى، ص ٥٥.
- ١٠٠ . من لا يحضر الفقيه، ج ٤، ص ١٨٠، وسائل الشيعه، ج ١٣، ص ٢٩٤.
- ١٠١ . وسائل الشيعه، ج ١٢، ص ٨٨، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١١٦.
- ١٠٢ . مكارم الاخلاق، ص ٣١٧، بحار الانوار، ج ٩٠، ص ٣٣٦.
- ١٠٣ . كامل الزيارات، ص ١٠٥.
- ١٠٤ . استفتآت، ج ٢، ص ٢٨.
- ١٠٥ . سياسه الحسينيه، ص ٤٤.
- ١٠٦ . شمس لنگرودی.
- ١٠٧ . مفاتيح الجنان، ص ٤٢٩، زيارت وارث.

- ۱۰۸ . وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۷، کامل الزیارات، ص ۱۰۱، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.
- ۱۰۹ . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۷.
- ۱۱۰ . وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.
- ۱۱۱ . خوشدل تهرانی، اشک شفق، ج ۱، ص ۲۰۷.
- ۱۱۲ . صابر همدانی، حسین پیشوای انسان ها، ص ۵۳.